



# مجموعه‌ی هفتمین برج کتاب سوم

آینور

نویسنده: گارت نیکس

## آینور

مجموعه‌ی هفتمین برج کتاب سوم  
نویسنده: گارت نیکس  
مترجم: مینا طالبی

نویسنده: گارت نیکس

مترجم: مینا طالبی



کتابسرای تندیس

## فصل اول

کوه انگار یک توده سنگِ خاکستریِ غول‌آسا بود که بالای دره‌ی سبزی رودخانه سر برآورده بود. اما واقعاً کوه نبود.

مخلوقی سنگی بود. قدیمی و سرد و عظیم بود و دوست داشت هزاران سال در جایی ثابت بماند و بخوابد و رؤیای زمانی را ببیند که در ژرفاهای آتشین زمین متولد شده بود.

از آن‌جا که مدت‌های مدید در یک نقطه نشسته بود، اکثر مسافرها تصور می‌کردند بخشی ثابت و دایمی از زمین است؛ یعنی برخلاف بقیه‌ی آینیر که جنگل‌هایش راه می‌رفتند و تپه‌هایش کُشتی می‌گرفتند و رودخانه‌هایش هر بار که میل‌شان می‌کشید مسیرشان را تغییر می‌دادند.

برگزیدگانِ دژ روی نقشه‌هایشان اسمِ این توده‌ی عظیمِ سنگ را «کوه سنگی سرد» گذاشته بودند. هر سال، برگزیدگان از جهانِ دیگر به آینیر می‌آمدند و چندین هفته وقتِ خود را صرفِ به دام انداختن و به بردگی گرفتنِ موجوداتِ منطقه می‌کردند تا به دنیای خودشان ببرند و این موجودات به شکلِ «سایروح» به آن‌ها خدمت کنند.